

ساماندهی قابلیت‌ها و توانمندی‌های عشایر در راستای امنیت پایدار (با تأکید بر عشایر سیستان و بلوچستان) نصراله فلاح تبار^۱

عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره)، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۹/۰۴

چکیده

ایلات و عشایر میهن اسلامی در گذر زمان در بیلاق و قشلاق و ایل راه‌های عرصه‌ی کوچ، در گیر و دار مسایل و معضلات بسیاری بوده و می‌باشند. جامعه‌ی عشایری ایران به عنوان یکی از جوامع سه گانه‌ی کشور، در کنار جامعه‌ی شهری و روستایی، همواره نقش بارز و تعیین کننده‌ای در سرنوشت سیاسی و حیات اقتصادی کشور داشته‌اند. بر اساس آخرین سرشماری عشایر کوچنده‌ی کشور در تیرماه ۱۳۸۷، جمعیت عشایری ایران، یک میلیون و ۱۸۶ هزار و ۳۹۸ نفر در قالب ۲۱۲۷۷۲ خانوار، ۱۰۴ ایل و ۵۵۲ طایفه مستقل و ۱۹۸۴۰ کوچکترین رده‌ی ایلی بوده است. از جمعیت عشایری استان سیستان و بلوچستان نیز در سرشماری سال ۱۳۸۷، تعداد ۹۵۲۹۸ نفر در بیلاق و ۱۰۲۲۴۵ نفر در قشلاق استقرار داشته‌اند. در سال ۱۳۹۰ نیز جمعیت عشایر استان برابر ۱۰۲۰۰۰ نفر اعلام شده که نشان از حضور و علاقه‌ی عشایر به امر کوچ نشینی در عرصه‌ی سرزمین خود دارد. مسؤولین بر این امر مهم واقف اند که عشایر و مرزنشینان در طول اعصار مختلف در صورت ضرورت، در کنار برادران نظامی و انتظامی، پیشگامان مبارزه با حمله‌ی بیگانگان و چپاولگران بوده و حافظان مرز و بوم میهن خود و مال و ناموس هموطنان به شمار می‌روند و در این راه فداکاریها و رشادتها نموده و شهدای گرانقدری را تقدیم اسلام و میهن اسلامی نموده‌اند، به نحوی که **حضرت امام (ره) عشایر را ذخایر انقلاب** می‌نامند. لذا باید به جد تلاش شود تا ضمن ساماندهی قابلیت‌ها و توانمندی‌های آنان، در مورد رفع محرومیت و افزایش سطح رفاه و زندگی آنان در عرصه‌ی بیلاق و قشلاق، ایل راه‌ها و روستاهای مسیر عشایر اقدام و امکانات لازم نیز مهیا گردد تا روحیه‌ی سلحشوریشان به ویژه در عرصه‌ی امنیت پایدار حفظ شود. این مقاله به اختصار به آن می‌پردازد.

واژگان کلیدی: عشایر، قابلیت‌ها و توانمندی‌ها، امنیت پایدار، سیستان و بلوچستان، طایفه، تیره.

مقدمه

به طور کلی، عشایر کوچنده به جمعیتی اطلاق می‌گردد که دارای نظام و ساختار اجتماعی مبتنی بر سلسله مراتب ایلی باشند و اساس معیشت آنان مبتنی بر دامداری بوده و به منظور یافتن چراگاه و تعلیف دام و تأمین معاش خود، بین بیلاق و قشلاق حرکت منظم فصلی داشته باشند. ایران به جهت وسعت زیاد و موقعیت طبیعی خاص خود که شامل نواحی سرد سیر(قشلاق) و گرمسیر(بیلاق) و حد فاصل (میان بند) می باشد، مستعد پرورش نژادهای گوناگون دامی است و به همین سبب، از ۶ تا ۸ هزار سال قبل دامداری و تربیت حیوانات، در این سرزمین رایج بوده و وسیله ی امرار معاش به شمار می رفته است(بدیعی، ۱۳۶۷، ۱۲۴). این امر مهم خود به خود قسمتی از بار هزینه‌ها و خدمات را از دوش دولت برمی‌داشته است. از طرف دیگر، می‌دانیم که حرکت‌های کوچ نشینی و تکامل آن پدیده‌ی یکجانشینی را منجر شده و صورتهای دیگر معیشت از جمله: روستانشینی و سرانجام شهرنشینی را پدید آورده است (مشیری، ۱۳۷۲، ۱۱).

هرچند که تا کنون بخشی از عشایر کشور اسکان را پذیرفته و در شهرها و روستاها زندگی می‌کنند، لیکن هنوز بخش دیگری از آنان کوچ نشینی را بر سکونت ترجیح می‌دهند. از طرفی، آنان چشم امید به کمک دولتمردان دارند که امکانات مناسب در بیلاق و قشلاق و ایل راها در اختیار آنان قرار گیرد و بتوانند به زندگی ساده و کم توقع خود ادامه دهند.

در سال ۱۳۸۷ که آخرین سرشماری عشایر کشور انجام پذیرفته است، جمعیت عشایر سیستان و بلوچستان در قشلاق برابر ۱۰۲۲۴۵ نفر با ۲۲۶ طایفه و در بیلاق برابر ۹۵۲۹۸ نفر و ۲۰۳ طایفه بوده است(مرکز آمار ایران، سرشماری عشایر کوچنده، ۱۳۸۷). این آمار نشان می‌دهد که جامعه‌ی عشایری سیستان و بلوچستان، به عنوان بخشی حیاتی از جامعه‌ی استان به شمار می‌روند. اگر چه، عشایر کوچ رو جامعه‌ی ای جدا از جامعه‌ی روستایی و شهری به نظر می‌رسند، لیکن، از هم جدا نیستند و ارتباط تنگاتنگی به ویژه در روستاها با هم دارند. هرچند که، موقعیت جغرافیایی سیستان و بلوچستان از نظر اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارای ساختار ویژه، استثنایی، غیر متعارف و ناشناخته است و به دلیل تجمع عوامل متعدد اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی و تاریخی، نوعی نظام اقتصادی خاص را به وجود آورده که می‌توان آن را نظام مختلط ابتدایی نامید(مه‌دیزاده، ۱۳۷۱، ۴۵).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که توسعه‌ی مناطق عشایری و ساماندهی قابلیت‌ها و توانمندی‌های آنان در راستای امنیت پایدار، نیازمند برنامه‌ریزی، آموزش، امکانات متناسب و مطلوب می باشد. قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و تغییر و تحول در معیشت کوچ نشینان و جامعه‌ی پر توان عشایری بسیار در خور توجه است. همان طور که عشایر حافظان نظم و امنیت مرز و بوم خود بوده و هستند، در زمینه‌ی معیشت و تولیدات دامی و زراعی نیز در اقتصاد استان تأثیر گذارند. از جمله این که عشایر استان سالانه ۴۳۲۳۷ تن تولیدات دامی و ۵۰۰۰۰ تن تولیدات زراعی دارند(سایت اداره کل امور عشایر سیستان و بلوچستان، اسفند ۱۳۹۴). بنابراین، می‌توان قابلیت‌ها و توانمندی‌های قابل توجهی را که در عشایر غیور میهن اسلامی پدیدار می‌باشد، شناسایی و نسبت به ساماندهی آنان در راستای امنیت پایدار اقدام نمود.

روش تحقیق

بررسی‌های تاریخی سرزمین ایران سراسر حکایت از جوانمردی و رشادت همه‌ی مردم از جمله عشایر و مرزنشینان غیور می‌باشد. در همین راستا، به جهت این که عشایر سیستان و بلوچستان از تاریخی کهن برخوردار هستند و زندگی پرفراز و نشیبی را داشته و دارند، لذا این تحقیق برگرفته از روش تاریخی و کار میدانی است و نیز با استفاده از مستندات کتابخانه‌ای و دیدگاه‌های صاحب نظرانی که در زمینه‌ی کوچ و کوچ نشینی تلاش در خور توجهی داشته‌اند، از روش توصیفی - تحلیلی با هدف کاربردی بهره‌گیری شده است.

حمایت عشایر از میهن در برابر تجاوزات بیگانگان

تاریخ نشان می‌دهد که عشایر ایران در نبرد با دشمنان بیگانه در بسیاری از موارد نقش مؤثری داشته‌اند که به چند مورد آن اشاره می‌شود:

۱ - در سال ۲۳ هجری در جنگ بین ایران و اعراب، عشایر و قبایل ایران آماده‌ی جنگ بوده‌اند، لشکریان عرب متوجه دارابگرد و فسا شدند و سپاه ایران را محاصره کردند، محاصره طولانی شد، عشایر پارس با نظامیان همراهی کردند و کار سخت گردید (باستانی پاریزی، ۱۳۶۴، ۲۶۶).

۲ - در قرن سوم، سپاهیان یعقوب لیث را عشایر، خوارج و طبقات دیگر تشکیل می‌دادند (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲، ۲۴۰).

۳ - در قرن هفتم، سپاه اتابکان فارس از کرد، لر و شول تشکیل شده بودند و شبانکاره‌ها که در صحرای رون (منطقه‌ی سردسیری کهگیلویه) به پرورش اسب اشتغال داشتند، پس از ظهور اسلام از اسپهبدان پارس به شمار می‌رفتند (آیتی، ۱۳۴۴، ۲۰۵ و ۲۵۱).

۴ - در قرن دهم، شاه اسماعیل صفوی از هفت ایل بزرگ، قزل باش‌ها را به وجود آورد.

۵ - در اوایل قرن یازدهم هجری، شاه عباس طوایف قاجار را به سه دسته تقسیم کرد. طایفه‌ای را برای دفع لرگی‌ها به گنجه‌ی گرجستان، طایفه‌ی دوم را در سرحد خراسان (مرو) برای دفع ازبک‌ها و طایفه‌ی سوم را به استرآباد آوردند تا حمله‌ی ترکمانان را دفع نمایند (میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵، ۷۲).

۶ - در سال ۱۱۲۸ هجری، سرشماری از ایلات به عمل آمده که میزرا محمد حسن مستوفی رساله‌ی تفصیلی آنرا در باره‌ی ارتش شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۳۷ - ۱۱۰۶) نگاشته است. در این رساله سپاه ایلیاتی ایران ۱۱۰۰۰۰ نفر اعلام شده که ۵۷۰۰۰ نفر آنان سواره و ۵۳۰۰۰ نفر پیاده و به (ایل جاری) معروف بوده‌اند (سرشماری ایلاتی، ۱۱۲۸).

۷ - در زمان فتحعلی شاه قاجار ۳۶۰۰۰ سواره و پیاده‌ی عشایری در سپاه مملکتی خدمت می‌کردند که حدود ۶۰ در صد آن پیاده و بقیه سواره بودند و حدود یک سوم پیاده‌ها را عشایر بختیاری و ایلات تابعه تشکیل می‌دادند (نیک خلق، ۱۳۷۷، ۷۴-۷۱).

۸- در صحنه‌ی سیاسی تاریخ ایران و خصوصاً تاریخ معاصر کشور، ایل بختیاری نقش مؤثر و تعیین کننده‌ای را بر عهده داشته است. این نقش در مقاطعی از زمان به صورت شاخص تر و بارزتر نمود پیدا کرده که اوج آن را در انقلاب مشروط می‌توان مشاهده نمود (فصلنامه ذخایر انقلاب، ۱۳۶۹، ۱۷).

۹- مبارزات ایل بختیاری با رضا خان و نیز در اوایل دوران پهلوی دوم قیامهایی در بسیاری از ایلات بر علیه حکومت انجام گرفته است (فصلنامه ذخایر انقلاب، ۱۳۷۰، ۲۲).

۱۰- بختیاری‌ها به علت روح آزادی و آزاد منشی پیوسته با پادشاهان و حکام خود کامه‌ی گذشته در ستیز بوده اند. این غیور مردان در گذرگاه تاریخ ایران یکی از ارکان مهم ستون مقاومت ایران در برابر بیگانگان محسوب می‌شدند (فصلنامه ذخایر انقلاب، ۱۳۶۹، ۲۰).

بنابراین، با عنایت به مطالب فوق و بسیاری موارد دیگر، می‌توان به قابلیت‌ها و توانمندی‌های ایلات و عشایر پی برد که برنامه‌ریزی و ساماندهی این قشر قابل توجه جامعه اسلامی ایران، برای ایجاد امنیت پایدار بسیار مؤثر می‌باشد.

جامعه‌ی عشایری ایران تأثیر گذار در عرصه‌های مختلف

آمارها نشان می‌دهد، با توجه به اینکه جامعه‌ی عشایری ایران کمتر از ۲ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، ولی میزان تولید و فعالیت‌های اقتصادی قابل توجه آنان، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و از ارزش این جامعه در چرخه‌ی تولید کشور حکایت دارد. عشایر با در اختیار داشتن بیش از ۲۴ میلیون واحد دامی و ۳۸ درصد مراتع کشور، ۲۰ درصد گوشت قرمز، ۵ درصد محصولات کشاورزی و ۳۵ درصد صنایع دستی کشور را تولید می‌کنند و نقش بارزی در سایر تولیدات دامی و لبنی دارا هستند.

جدول شماره (۱): میزان برخورداری عشایر از شاخص‌های توسعه

عنوان	تا پایان برنامه سوم		برنامه چهارم		سال ۱۳۹۰
	جمعیت	درصد	جمعیت	درصد	
آب آشامیدنی بهداشتی	481732	37	744000	62	36000
راه دسترسی	929231	71	1116000	93	12000
راه باروکش شنی	481339	37	684300	57	36000
راه باروکش آسفالت	137672	11	432070	36	6000
برق	490064	38	720400	60	24000
خانه بهداشت	535710	41	603200	50	6000
مراکز آموزشی ابتدایی	727219	56	958400	80	18000
مراکز آموزشی راهنمایی	309895	24	417900	35	12000
مراکز آموزشی متوسطه	147530	11	216800	18	3000
مراکز آموزشی پیش دانشگاهی	51617	4	58680	5	3000
مراکز سوخت فسیلی	607313	47	961070	80	20400
مراکز ورزشی	40372	3	57160	5	0
دسترسی به مخابرات	446769	34	782600	65	84000
برخورداری از مسکن در فشلاق	429997	33	493150	41	36000
برخورداری از اماکن مذهبی	199164	15	203870	17	3000
برخورداری از غسلخانه	46598	4	78240	5	0
برخورداری از کتابخانه	17775	1	19560	1	0
برخورداری از پایگاه مقاومت	190877	15	541700	45	12000
میزان اراضی آبی	237119	18	273840	23	18000
میزان اراضی کشاورزی دیم	285681	22	312960	26	0
اجرای طرح هادی	59279	5	117360	9	0
عشایر اسکان یافته	48738	-	72503	نفر	14400

منبع: سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۹۰

طرح مطالعات جامع ساماندهی عشایر

سازمان عشایری کشور، نسبت به اجرای طرح ساماندهی عشایر اقداماتی را در دستور کار خود قرار داده است. این طرح به منظور مطالعات کاربردی در سه سطح جامع، نیم تفصیلی و تفصیلی اجرایی برای شناسایی پتانسیل‌ها، مکان‌یابی کانون‌های توسعه، ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش تولید و تعیین اولویت‌ها و آرایه‌ی طرح‌های دارای توجیه اقتصادی در مناطق عشایری، انجام می‌شود (سایت سازمان عشایری کشور، ۱۳۹۴).

لذا، چنانچه در زمینه‌ی این طرح ارزشمند، بررسی قابلیت‌ها و توانمندی‌های عشایر در راستای امنیت پایدار نیز مورد توجه خاص قرار بگیرد، به طور قطع پتانسیل‌های این قشر کم توقع، پرتلاش و سرسخت به هدر نرفته و بر قدرت و توان بالای کشور در عرصه‌ی پایدار افزوده خواهد شد. جدول شماره‌ی ۲ وضعیت طرح مورد نظر را آشکار می‌سازد.

جدول شماره‌ی (۲): طرح مطالعات جامع ساماندهی مناطق عشایری کشور

سال ۱۳۹۰	برنامه چهارم	تا پایان برنامه سوم	عنوان پروژه	شرح
۳۶	۱۶۶	۳۰۲	امکان‌سنجی توسعه‌ی فعالیت‌ها و افزایش تولید	عنوان طرح‌های مورد عمل
		۱۵۰	شناسایی پتانسیل‌ها و مکانیابی کانون‌ها	
۴۱	۱۸۸		تهیه‌ی برنامه‌ی عملیات و تجهیز کانون	
		۱۶۳	تدوین نظام بهره‌برداری	
۵۸	۹۶		جمع پروژه‌ها	
		۰		
۲	۲۹	۶۱۵		
۱۳۷	۴۷۹			
۱۰۸۳۰	۵۷۴۴۸	۲۷۴۰۰	تعداد خانوار مورد مطالعه	حجم عملیات
۱۹۴۰۰	۶۷۵۳۷	۸۶۲۷۰	میزان اراضی (هکتار)	
۶۷۴۰	۲۲۰۴۷	۳۹۷۵۰	حجم آب تخصیصی (متر مکعب)	

منبع: سازمان امر عشایری ایران، ۱۳۹۰

عشایر سیستان و بلوچستان ضامن امنیت پایدار استان

هرچند که بررسی‌ها نشان می‌دهد، تاریخ مدونی از چگونگی پدیدار شدن عشایر چه در بخش سیستان و چه در بخش بلوچستان به چشم نمی‌خورد، لیکن بزرگان طوایف و ریش سفیدان و افراد مورد اعتماد طایفه‌ها و تیره‌ها و کسانی که با زندگی عشایری بزرگ شده‌اند، پیرامون سرگذشت تاریخی طایفه‌ی خود نکته‌نظرها و باورهای دارند که برحسب بزرگی و کوچکی طوایف به بخشی از آن‌ها اشاره خواهد شد. تحقیقات انجام شده حکایت از این دارد که در استان سیستان و بلوچستان ایل وجود ندارد و بسیاری از تیره‌هایی که در حال حاضر طایفه‌ی مستقل به شمار می‌آیند، در واقع تیره‌هایی وابسته به طوایف بزرگ بوده‌اند (سازمان آمار ایران، ۱۳۶۶).

بنابراین، به دلیل این که کوچ نشینی از نظر فرهنگی - اقتصادی، مسکن و معیشت دارای وحدتی‌اند که خود نتیجه جبر و وضعیت محیط طبیعی است (مشیری، ۱۳۷۲، ۱۰)، با این وجود، شناسایی وضعیت طایفه‌ها و تیره‌ها و محیط جغرافیایی، انسانی و اقتصادی آنان بایستی مشخص و قابلیت‌های هر یک روشن و در راستای امنیت پایدار به موقع ساماندهی گردند.

عشایر سیستان و اوضاع اجتماعی آنان

در بخش سیستان طوایف و تیره‌های گوناگونی وجود دارد که ضمن همگونی در برخی از مسایل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، وجه تمایزاتی هم با یکدیگر دارند که بایستی مورد شناسایی دقیق قرار گیرند تا بتوان در برنامه‌ریزیها مورد توجه و دقت لازم واقع شوند و از خطاهای گذشته که به علت عدم شناخت لازم و کافی در برنامه‌ریزیها انجام می‌پذیرفت، کاسته شود. طوایف بخش سیستان عبارتند از:

۱- طایفه‌ی براهوئی:

طایفه‌ی براهوئی، از ۳۳ تیره تشکیل شده و اسامی تیره‌ها به شرح جدول شماره‌ی (۱) می‌باشد (زند مقدم، ۱۳۸۴).

۲- طایفه‌ی بارانی:

از طایفه‌ی بارانی، تیره‌ی باران زهی در غزنین اسکان می‌یابند ولی تیره‌ی منگل به افغانستان آمده و بخشی از آنان در حوالی دریاچه‌ی هامون صابری ساکن می‌گردند و به کار دامداری و بعضاً کشاورزی می‌پردازند.

۳- طایفه دهمرده:

این طایفه در عصر نادرشاه از محلی به نام (چاگه) واقع در کشور پاکستان به ایران کوچ می‌نمایند.

جدول شماره‌ی (۳): عشایر سیستان، طایفه و تیره

اسامی تیره‌ها	اسامی طایفه‌ها	تیره	نام طایفه
مالکی، زیرکاری، نخعی، چندال، گچگی زهی، سرابندی، شاگزی، لوارزهی، چمدرانزهی، جر، کوچالی، شهرکی، سرگزی، کیازهی، سهراب زهی، عیدوزهی، زندک زهی، سوتک، گل محمد زهی، مردان شی، هاروئی، رودینی، سرگلزانی، زحمت زهی، اسماعیل زهی، مورپیشی، ساسولی، گرخیل، یوسفی، رخشانی، شولی بر، گلزارزهی، توتازهی (افشار سیستانی، ۱۳۶۸، ۸۶۸).	-	-	براهوئی
-	-	-	بارانی
-	-	-	دهمرده
-	شیبک، اردنی، مهره‌ای، کوچال، سراوانی، جُسر، جان آبادی.	سایر طوایف	

منبع: اداره‌ی کل امور عشایری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۱



تصویر شماره (۱): نمایی از چادر عشایر (اداره امور عشایر استان)

عشایر زاهدان و اوضاع اجتماعی آنان

عشایر زاهدان در مرکز استان به سر می‌برند که به اختصار به وضعیت طوایف این شهرستان به شرح زیر اشاره می‌گردد:

۱- طایفه‌ی ناروئی: این طایفه در زمان نادرشاه افشار در کشور پاکستان در حوالی کوه نارو اقامت می‌کنند. لذا محل اولیه‌ی خود را پاکستان ذکر می‌نمایند و در اصل بلوچ اند. ناروئی‌های ساکن در استان می‌گویند که از اعقاب اعراب نهروان می‌باشند و در مورد علت نامگذاری خود مطرح می‌کنند که محل سکونت آنان در پاکستان و افغانستان در محلی قرار داشته است که چیزی در آن زمین نمی‌رویده و (نارو) گفته می‌شده است. لذا آنان به ناروئی مشهور می‌گردند (افشار سیستانی، ۱۳۶۸، ۹۱۵).

۲- طایفه‌ی شه بخش: طایفه‌ی شه بخش در محدوده‌ی زاهدان و خاش به سر می‌برند و نسب خود را به شخصی به نام محمد حسن لرشیرازی از طایفه ممسنی فارس می‌رسانند. طایفه‌ها و تیره‌های شهرستان زاهدان در جدول شماره‌ی (۴) مشخص شده است.

۳- طایفه‌ی گرگیج: سنگلگ زهی، محمدانی، عوض زهی، روشن زهی، گبرزهی، مینازهی و...

جدول شماره‌ی (۴): عشایر شهرستان زاهدان، طایفه و تیره

اسامی تیره‌ها	اسامی طایفه	تیره	نام طایفه
خرماماگ، فرازهی، مورپیشی، شهبک زهی، کرم زهی، افضل زهی، سهراب زهی، سمکی، مورد زهی، میروزی، گرخیل، گورگنازهی، حاجی زهی، کندل زهی، شیران زهی، گمشاد زهی، درازهی، سردارزهی، زهروزی.			ناروئی
اسماعیل زهی، جمشیدزهی، قلندزهی، اله بخش زهی، رادوزهی، بلوچ زهی، فقیرزهی، بدال زهی، محمدانی، تازیان زهی، سدوزایی، نوتی زهی، شیروزی، بوتازهی، حسن زهی، قنبرزهی و داروزهی			شه بخش
سنگلگ زهی، محمدانی، عوض زهی، روشن زهی، گبرزهی، مینازهی، لشکرزهی، قمرزانی، گرگیج فعال.			گرگیج

منبع: اداره‌ی کل امور عشایری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۱

ج) عشایر شهرستان خاش و اوضاع اجتماعی آنان

طایفه‌های بزرگ منطقه‌ی خاش عبارتند از: ریگی، شهنوازی، کرد، هاشم زهی، شهلای بر، جمال زهی و از طرفی، منطقه‌ی مهم طایفه‌ی ریگی بخش لادیز است. به طور کلی طایفه‌ها و تیره‌های شهرستان خاش عبارتند از:

الف) طایفه‌ی جمالزهی - تیره‌ها عبارتند از: فقیر زهی، مهرباب زهی، قربان زهی، دوست محمد زهی، ملاکرزهی.

ب) طایفه‌ی شهنوازی - تیره‌ها عبارتند از: کمال خان زایی، سهراب زهی، ضابط زهی، یار محمد زهی، سوری زهی، میرگل زایی، ماشک زهی، جمشید زهی، رحمت زهی، حسین زایی، شهنسوار زایی، گل محمد زایی، شیر و زایی، لوسی زهی، درا زهی، مقل زهی.

ج) طایفه‌ی ریگی - تیره‌ها عبارتند از: برهان زهی، زرک زهی، شهبک زهی، ابراهیم زهی، ارباب زهی، گنگو زهی، نتو زهی، میرکازهی، تمندان زهی، محمود زهی، کلگی، سندک زهی، شاهوزهی، زنگی زهی، بهادر زهی، سالار زهی، محمدانی، کهرا زهی، بولاک زهی، توتازهی، عمر زهی، حسین بر، سرگلزایی، جری زایی، شسنبه زایی، بوتو،

هاشم زایی، قلندر زایی، شاهی زایی، شاه مرادی زایی، جهل زایی، رخشانی، حسن زایی، دگا زایی، ترشایی، مراد زایی.

د) طایفه‌ی هاشم زهی - تیره‌ها عبارتند از: گرمشاه زهی، قربان زهی، رئیسی بر، مهدی زهی، الهیار زهی.

ه) طایفه‌ی شهلی بر - تیره‌ها عبارتند از: یادگار زهی، جنگیان زهی، سهکور زهی، زیرک زهی، فخور زهی، محمد زهی.

عشایر شهرستان سراوان و اوضاع اجتماعی آنان

بزرگترین طایفه‌های عشایری این شهرستان عبارتند از: طایفه‌ی گمشادزهی، طایفه‌ی سیاهانی، طایفه‌ی ملک زاده و طایفه‌ی بزرگ زاده. برخی منابع مطرح نموده اند که طایفه‌ی گمشادزهی سراوان دارای ۲۵ تیره می باشد. افشار سیستانی می گوید، طایفه‌ی گمشادزهی دارای ۱۲ تیره است و جهانبانی، این طایفه را دارای ۱۶ تیره به شرح زیر می داند:

ارضی زایی، جهانگیرزایی، چاری زایی، دادخدا زایی، درازایی، سنجر زهی، مسافرزهی، سندک زایی، شهادت زایی، شهر سان زایی، عبدل زایی، کریم زایی، گمشاد زایی، مراد زایی، مزار زایی، محمد زایی، نخود زایی و محمود زایی (جهانبانی، ۱۳۳۸، ۴۰).

طوایف: نوشیروانی، پرکی، بزرگ زاده، دهانی، درزاده، سیاهانی، دامنی، جنگی، دهواری، سپاهی، بارک زاده، ملک زاده، گمشادزهی.

طایفه‌ی گمشادزهی - تیره‌ها عبارتند از: برهان زهی، مراد زهی، نظرزهی، بوگندزهی، حسن زهی، لوارزهی، بیجارزهی، ارضی زهی، خاکی زهی، رحمت زهی، پهلوان زهی، جنگی زهی، ماهوت زهی، دادخدا زهی، چاری زهی، سراوانی، بالی بر، جلال خان زهی، جهانگیری، سهراب زهی، ملازهی، سنجر زهی، سندک زهی، الوزهی (افشار سیستانی، ۱۳۶۸، ۱۸).

طایفه‌ی سیاحانی - تیره‌ها عبارتند از: حسن زهی، کهر زهی، زهرو زهی.

طایفه‌ی ملک زاده - تیره‌ها عبارتند از: ملک نژاد، ملک زهی، امراء.

طایفه‌ی بزرگ زاده - تیره‌ها عبارتند از: نعمت الهی، شیخ زاده، در زاده، صاحب زاده، ملک زاده، دهواری، سپاهی، شیخ زاده، بزرگ زاده.

عشایر شهرستان ایرانشهر و اوضاع اجتماعی آنان

بزرگ ترین طوایف ایرانشهر که در منطقه مطرح می باشند عبارتند از: طایفه‌ی لاشاری، طایفه‌ی بارک زایی، طایفه‌ی مبارکی، طایفه‌ی عبدالهی و طایفه‌ی بامری. و مهمترین طایفه‌های ایرانشهر عبارتند از:

بارکزیایی، لاشاری، رند، عبدالهی، بامری، مبارکی، بشاگردی، زین الدینی، آهورانی، دامنی، نوهانی، شیخ زاده، سنگله، اسکانی، زرد کوهی.

طایفه‌ی لاشاری - تیره‌ها عبارتند از: لاشاری، ادنکیکی، آزاباغی، سدکافی، جکانی، مخامگسی، شکیمی، نگوری، داودکانی، کنار دانی، ریسبی، گورکانی، رئیس کوچ، درُ زاده، کوری، جوگزی، مگونی، آگاهی، کومایی، هیورانی، چاهانی، میرحیبی، کوچینگ، باشنده بر، نصیرانی، کوچی، گردهانی، شکنه، میرلاشاری، درانی، چاره میری.

طایفه‌ی بارک زائی - تیره‌ها عبارتند از: بهرامی، باران زهی، دهقان، ارباب، قائم خان زهی، بارک زایی، درُ زاده، ملازهی، رحمانی، جنگی زهی.

کوچیری، کوه مدنی، بی چندی، آگاهی، مچ کوری، سه مکانی، گرانی، نایگونی، سردستی.

طایفه‌ی عبدالهی - تیره‌ها عبارتند از: حیدر زهی، درائی، بوخیز زهی، دکالی، فرازی.

طایفه‌ی بامری - تیره‌ها عبارتند از: فولادی، تابکی، نوایی، تاجوزهی، درویش زهی، سابکی، رودین زهی، ساهی، درکی (اداره‌ی کل امور عشایری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۷).

عشایر شهرستان چابهار و اوضاع اجتماعی آنان

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در شهرستان چابهار طایفه‌های مهمی در امر کوچ نشینی گذران زندگی داشته‌اند که به شرح زیر می‌باشد.

طوایف: هوت، بلیده ایی، گوجکی، شیرانی، بلوچ بلکی، باشنده، بلوچ، نوهانی، جدگال، جت، طوسی و...

از گذشته تا به حال هر یک از طوایف قلمرو خاصی داشته‌اند و در محدوده‌های مربوطه، جامعه‌ی روستایی و نیز دامدار کوچرو تحت سیطره و قدرت پیران آن طایفه قرار داشتند و ابواب جمعی آن محسوب می‌گردیدند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰، ۱۹).

قشر بندی اجتماعی عشایر سیستان و بلوچستان

به طور کلی، در تمام اعصار، در شهرها، روستاها و ایلات و عشایر میهن اسلامی ما یک قشر بندی خاصی دیده می‌شود که گاهی مواقع در تمام سطوح زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اثر گذار بوده است.

در قشر بندی اجتماعی عشایر سیستان و بلوچستان قشر بندی ویژه‌ی زیر دیده می‌شود:

۱- هوت (hut). ۲- کرنکش (Karankosh). ۳- بلوچ. ۴- جت (Jat). ۵- تیه (Tih).

غیر از قشر بندی مذکور، در طبقه بندی موصوف هر طایفه نیز تقسیمات درون طایفه‌ی خود را دارند که جایگاه و موقعیت هر گروه را در ساختار اجتماعی - سیاسی هر طایفه مشخص می‌سازد (غراب، ۱۳۶۴، ۵۴).

در ضمن، در بخش بلوچستان قشر بندی تشکیلاتی طایفه‌ی خاصی به صورت زیر به چشم می‌خورد: الف) طایفه (ب) تیره یا رند (ج) شلوار (د) خیل یا هلک (ه) خانوار.

در رده بندی‌های موصوف سرپرستان هلک‌ها محل استقرار، کوچ، اسکان، تعداد خانوارهای هلک را تعیین و مسؤولیت حل و فصل اختلافات در دعاوی، عروسی و عزا، معاملات و اموری که به خارج از هلک مربوط می‌شد را بر عهده داشتند ([http. www. sb. nomads. ir-1390](http://www.sb.nomads.ir-1390)).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

تحقیقات نشان می‌دهد که ایلات و عشایر در گذران زندگی مردمی‌پرتلاش، سخت‌کوش و در عین حال کم‌توقع و حافظان امنیت میهن اسلامی بوده و می‌باشند. **حضرت امام (ره)** در مورد عشایر در فرازی از سخنان خود می‌فرماید (عشایر ذخایر انقلابند)، در واقع، در این سخن گهربار شجاعت، جوانمردی، مهربانی، وفاداری، ایثار، گذشت، ایمان، اعتقاد، پایمردی، حریت و... نهفته است. این غیور مردان و زنان جامعه‌ی ما در بسیاری از تجاوزات بیگانه، خشکسالیها و نیز جنگ تحمیلی ایستادگی نمودند و حتی در هشت سال دفاع مقدس شهداء و جانبازان زیادی را تقدیم انقلاب و اسلام نمودند.

این عشایر سخت‌کوش، در برابر درآمد کم ناشی از دامداری سنتی، نبود مراتع مناسب، کمبود علوفه، نبود آب کافی و لازم و راه‌های نامناسب، پایداری نموده و می‌نمایند و در کنار این همه ناملایمات، سالانه ۴۳۲۳۷ تن تولیدات دامی و ۵۰۰۰۰ تن تولیدات زراعی نیز دارند که به اقتصاد استان کمک شایان توجهی می‌شود.

بنابراین، با توجه به این که حضور این قشر زحمتکش در زندگی کوچ‌نشینی عرصه را بر آنان تنگ نموده و از طرفی زحمات سازمان ایلات و عشایر استان در جهت ساماندهی آنان بر کسی پوشیده نیست، با این وجود، چشم امید به این دارند که مسؤلان با برنامه‌ریزی مطلوب، ساماندهی شایسته، کمک‌های لازم، مراتعی کافی و ایل راه‌هایی مناسب و کشاورزی موردنیاز را برای آنان فراهم سازند، تا در امرار معاش خانواده‌هایشان دغدغه‌ای پدیدار نشود و آمادگی همیشگی خود را برای حفاظت از مرز و بوم کشورشان در کنار سایر نیروهای نظامی و انتظامی و اسقرار هرچه بیشتر امنیت پایدار، بیش از پیش استوارتر سازند.

منابع

- آیتی، عبدالحمید، ۱۳۴۴، تاریخ و صاف، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- اداره کل امور عشایری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۱، واحد مطالعات طرح و توسعه، گزارش اجمالی استان سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- اداره کل امور عشایری استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۷، واحد مطالعات طرح و توسعه، گزارش اجمالی استان سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۶۸، ایلها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران، نشر نسل دانش.
- بدیعی، ربیع، ۱۳۶۷، جغرافیای مفصل ایران، جغرافیای اقتصادی ایران، جلد سوم، نشر اقبال.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۴، تاریخ کامل ایران، ابن اثیر، دانشگاه تهران.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، ۱۳۸۲، یعقوب لیث، به نقل از تاریخ سیستان، انتشارات ابن سینا، تهران.
- جهانبانی، امان اله، ۱۳۳۸، سرگذشت بلوچستان و مرزهای آن، بینا، تهران.
- زند مقدم، محمود، ۱۳۵۴، درآمدی بر مطالعه عشایر سیستان و بلوچستان، سازمان برنامه و بودجه.
- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰، سنتز طرح مطالعه‌ی عشایر سیستان و بلوچستان، گروه هامون، زاهدان.
- سازمان امور عشایری ایران، ۱۳۹۰.
- سازمان آمار ایران، ۱۳۶۶.
- سرشماری ایلاتی ایران، سال ۱۱۲۸ هجری و فرهنگ ایران زمین، جلد ۲۰.

- سایت سازمان امور عشایری ایران، ۱۳۹۴، طرح جامع ساماندهی عشایر کشور.
- سایت اداره کل امور عشایری استان سیستان و بلوچستان، اسفند. ۱۳۹۴
- غراب، کمال الدین، ۱۳۶۴، بلوچستان یادگار متروود قرن، کیهان، تهران.
- فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، ۱۳۶۹، شماره ۱۱، انتشارات دبیرخانه شورای عالی ایران.
- فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، ۱۳۷۰، شماره ۱۴، انتشارات دبیرخانه شورای عالی ایران.
- فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، ۱۳۶۹، شماره ۱۳، انتشارات دبیرخانه شورای عالی ایران.
- مشیری، سید رحیم، ۱۳۷۲، جغرافیای کوچ نشینی، سمت، تهران.
- مهدی زاده، جواد و کیومرث مسعودی، ۱۳۷۱، بررسی جامعه شناختی صیادان بلوچستان، چکیده مقالات چهارمین کنفرانس شیلات ایران.
- مرکز آمار ایران، سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده، سال ۱۳۸۷.
- میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵، سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان، به کوشش مسعود گلزاری، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- نیک خلق، علی اکبر، عسکری نوری، ۱۳۷۷، جامعه شناسی عشایر ایران، چاپ پژمان، تهران.

<http://www.sb.nomads.ir>